



کد خبر: ۲۶۳۸۹۹

سرویس: بین الملل

تاریخ: ۱۱/بهمن/۱۳۹۲ -

۱۳:۲۳

مصاحبه تفصیلی خبرگزاری تسنیم با سیدحسین موسویان، خبرنگاری که دیپلمات شد

گزینه اول وزارت خارجه احمدی نژاد بودم/ توافقنامه ژنو نباید تمدید شود/ همه‌پرسی برای رابطه با آمریکا کف خیابان آوردن سیاست خارجی است

خبرگزاری تسنیم: حسین موسویان که سابقه حضور در تیم مذاکره‌کننده روحانی را دارد، معتقد است: توافق‌نامه ژنو ما را در بخش‌هایی با یک سری چالش‌ها مواجه خواهد ساخت.

به گزارش حوزه سیاست خارجی **خبرگزاری تسنیم**؛ با سیدحسین موسویان که طرف می‌شوی، تصور از «دیپلمات اسبق هسته‌ای کشورمان» که معمولاً با همین نام در رسانه‌های داخلی شناخته می‌شود، تغییر می‌کند.

سال‌ها زندگی در آلمان و آمریکا هم نتوانسته لهجه شیرین کاشی‌اش را بگیرد. کارکشته و رسانه‌ای به مصاحبه ورود می‌کند، حتی چالش‌های مکرر ما، لبخند از لبانش نمی‌گیرد.

با همه این اوصاف، مصاحبه ما با سیدحسین موسویان خواندنی از آب در آمد. موسویان از سیر تطورش از خبرنگار به دیپلمات گفت و کارهای سیاسی‌اش و تأسیس حزب اعتدال و توسعه.

موسویان به ما گفت که علت تأسیس اعتدال و توسعه حلقه افراطی‌ای بود که اطراف خاتمی را گرفته بود تا بدین ترتیب حلقه افراطیونی که حتی شخص خاتمی نیز از حضورشان در عذاب بود، شکسته شود.

گفت که کارگزاران را اعتدالی نمی‌داند و روحانی هم هنوز نتوانسته همه اعتدالی‌های دو جناح را دور خود جمع کند.

این را هم گفت که اصلاً تصور نمی‌کرده پیروز انتخابات امسال روحانی باشد و شانس قالیباف را بیشتر از همه کاندیداهای دیگر می‌دانسته است.

در مورد حوادث ۸۸ هم به ما گفت: انتخابات صحیح بود؛ تمام.

این را هم گفت که انتخابات ۸۸ نباید منجر به درگیری خیابانی می‌شد و ماجراهای تیر ۷۸ را هم از اساس وابسته به یک جریان افراطی دانست و معتقد بود که نظام بسیار مقتدرتر از آن است که با چند تظاهرات به چالش کشیده شود.

هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که سیدحسین موسویان اولین گزینه وزارت خارجه احمدی‌نژاد بوده باشد اما گفت که بوده و پس از گفت‌وگویی ۲ساعته با وی، عطای وزارت را به لقایش بخشیده است.

موسویان از توافق ژنو هم حرف زد و گفت: بهتر است مراقبت کنیم که توافقنامه تمدید نشود و در شرایط کنونی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا به فکر منافع ملی باشند.

موسویان به ما گفت که از طبقه بورژوا است. اما به‌خلاف طبقه بورژوا محافظه‌کار نبود. صریح به ما گفت که به کف خیابان بردن سیاست خارجی را قبول ندارد و همه‌پرسی برای رابطه با آمریکا به کف خیابان بردن سیاست خارجی است.

متن مصاحبه تفصیلی تسنیم با حسین موسویان در ادامه می‌آید. موسویان هم‌اکنون در دانشگاه پرینستون آمریکا به‌عنوان پژوهشگر فعالیت می‌کند و در دولت هاشمی رفسنجانی سفیر ایران در آلمان و در دولت خاتمی معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی (حسن روحانی) و عضو هیئت مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران بود.

تسنیم: برای شروع می‌خواهیم در این باره توضیح دهید که چگونه یک شخصیت رسانه‌ای از عرصه دیپلماتیک سر در می‌آورد و دیپلمات برجسته‌ای می‌شود، سیر تطور شما از عرصه رسانه به دیپلماسی چگونه بود؟

موسویان: من یک دانشجوی معمولی در آمریکا بودم. به عنوان مسئول انجمن اسلامی دانشجویان اروپا و آمریکا در ساکرمنتوی کالیفرنیا، قبل از انقلاب در روزهای بحرانی به ایران آمدم و با مرحوم آقای بهشتی آشنا بودم و با بچه‌های حزب جمهوری هم مثل محمد هاشمی، در انجمن در کالیفرنیا با هم بودیم. خب محمد هاشمی به بین‌الملل آمد و من هم به بخش بین‌الملل حزب رفتم.

یعنی از همان بدو ورود و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران آمدم. بعد از پیروزی بلافاصله حزب تشکیل شد و ما به بین‌الملل رفتیم. از همان جا کار بین‌المللی شروع شد. من یک جوان بیست، بیست و یک ساله بیشتر نبودم. بعد از آن مرحوم آقای بهشتی به من ماموریت داد که بروم به روزنامه تهران تایمز و روزنامه را از دست قطب زاده و بنی

صدر در بیاورم و اداره کنم. خب شاید در کنار کیهان انگلیسی تنها روزنامه مهم انگلیسی ایران بود. این موضوع باعث شد که من با اخبار و تحولات بین‌المللی مرتب مواجه شوم. سازمان تبلیغات کار غیر رسانه‌ای من بود که معاون آقای جنتی بودم. سازمان تبلیغات هم یک بخش بین‌الملل داشت که من با توجه به سابقه کار بین‌الملل خودم، مرتب درگیر کار بین‌الملل سازمان تبلیغات شدم. بعد به مجلس رفتم و در مجلس به عنوان رئیس سازمان اجرایی مجلس مشغول به کار شدم و دوباره آنجا در صحنه بین‌الملل خواسته یا ناخواسته حضور داشتم. در آن مقطع تقریباً مهمترین ملاقات‌های خارجی کشور را آقای هاشمی داشت. سال ۶۶-۶۷ هم کلاً به وزرات خارجه کشور پیوستم. باقی عمرم را در وزارت خارجه به صورت رسمی تا زمان بازنشستگی ادامه دادم.

اگر خاطرتان باشد یک جریان افراطی در جناح اصلاح‌طلب در شروع کار اطراف آقای خاتمی را فرا گرفت. در سال ۷۸-۷۷، که همان زمان هم وقتی من رفتم آقای خاتمی را ببینم به صورت خصوصی به ایشان می‌گفتم که این برای نظام، کشور و دولت شما مضر است.

تسنیم: درباره فعالیت‌های سیاسی خود صحبت کنید. شما علی‌رغم این که به عنوان یک دیپلمات شناخته شده‌اید در حوزه سیاسی هم فعال بوده‌اید و حتی برای انجام فعالیت‌های سیاسی حزب تشکیل داده‌اید. از شما به عنوان یکی از موسسین حزب اعتدال و توسعه یاد می‌شود. بفرمایید ضرورت ایجاد و تاسیس این حزب چه بود و چگونه به این نتیجه رسیدید که این حزب تاسیس شود و اینکه آیا قبول دارید که اعتدال و توسعه به نوعی انشعاب از کارگزاران سازندگی بود؟ در حال حاضر با توجه به اینکه بسیاری از اعضای این حزب در بدنه دولت حضور دارند، موقعیت این حزب را در آرایش سیاسی جامعه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌کنید؟

موسویان: اولین کار حزبی من از حزب جمهوری اسلامی بود. تا زمان تاسیس حزب اعتدال هم گرایش من به جناح راست سنتی معتدل بود. عمده دوستان من هم در جناح راست سنتی معتدل بودند. مانند آقای رفیق دوست، آقای ناطق نوری، اینها رفقای صمیمی امروز من نیز هستند. من واقعا ارادت قلبی به آنها دارم. همین امروز هم نزدیک‌ترین رفقای من امثال آقای ناطق هستند.

در انتخابات سال ۷۶ هم در ستاد آقای ناطق فعالیت می‌کردم و روشن هم بود که کار سیاست خارجی آقای ناطق را من در ستاد انتخاباتی دنبال می‌کردم. با این حال در یک مقطعی، زمانی که آقای خاتمی در انتخابات پیروز شد مرا دعوت کرد که به شورای امنیت بپیوندم، به آقای خاتمی گفتم من در ستاد آقای ناطق بودم. خاتمی گفت برایم مهم نیست، شما در سیاست خارجی دیپلمات ورزیده‌ای هستید.

اگر خاطرتان باشد یک جریان افراطی در جناح اصلاح‌طلب در شروع کار اطراف آقای خاتمی را فرا گرفت. در سال ۷۸-۷۷، که همان زمان هم وقتی من رفتم آقای خاتمی را ببینم به صورت خصوصی به ایشان می‌گفتم که این برای نظام، کشور و دولت شما مضر است.



تسنیم: منظورتان دقیقا کدام جریان است؟

موسویان: جریان افراطی اصلاح‌طلب. یعنی در جناح اصلاح‌طلب یک جریان افراطی در همان اول کار آقای خاتمی وجود داشت و عجیب هم بود وقتی من با آقای خاتمی تنهایی صحبت می‌کردم از رفتارهای افراطی تیم اصلاح‌طلب خودش به شدت دلخور بود. نه همه اما از افراطی‌های تیم‌اش واقعا دلخور بود. این امر باعث شد که ما به فکر یک جریان اعتدال بیافتیم. در میان این افراد من بودم، آقایان علی جنتی، محمد واعظی، نوبخت، بانک، شیخ عطار و... هم حضور داشتند. این بچه‌هایی بودند که ما با هم تاسیس حزب را پیگیری می‌کردیم. اولین ویژگی‌ای که ما دنبال می‌کردیم ارادت به رهبری به عنوان ستون نظام بود. دوم اینکه نه افراد حزب متعلق به طیف افراطی جناح راست باشند، نه طیف افراطی جناح اصلاح‌طلب. افراد میانه و معتدل هر دو جناح؛ یعنی تر سیاسی ما این بود که برای نجات کشور از جناح‌بازی و باندبازی و دعوای جناحی، باید اعتدال پیگیری شود. اگر نیروهای معتدل، متدین معتقد به رهبری و قانون اساسی؛ اینها بتواند یک جریانی را درست کنند؛ این در آینده مبنای یک انسجام ملی می‌تواند باشد. در واقع تاسیس حزب اعتدال بعد از مشاهده جریان افراطی در جریان اصلاح‌طلب بود. خاطرتان هست، جریان ۷۸ و دانشجویها و آن بساطی که آن زمان راه افتاد واقعا مایه نگرانی بود. هر کس دلسوز انقلاب بود باید نگران می‌شد. من خودم فکر نمی‌کنم که پیروزی آقای روحانی صرفا به خاطر فعالیت‌های سازمانی و تشکیلاتی و استراتژی حزب اعتدال باشد. حزب موثر بود اما تنها یک فاکتور بود. ضمن اینکه خود من هم فکر نمی‌کردم آقای روحانی انتخاب شود. وقتی شنیدم آقای روحانی انتخاب شده، خودم شوکه شدم. تصور من این بود که آقای قالیباف احتمالا شانس بیشتری دارد.

جناحی هم بودند که از کارگزاران فاصله گرفتند و به اعتدال پیوستند، مانند آقای ترکان که اگر عضو کارگزاران هم نبود در آن طیف تعریف می‌شد، یا مانند آقای نعمت‌زاده. ممکن است که اینها عضو رسمی کارگزاران نبودند اما در آن طیف تعریف می‌شدند. خب اینها آمدند به سمت جریان اعتدال. من فکر نمی‌کنم امروز هم حزب اعتدال گرایش بیشتری به کارگزاران داشته باشد. ولی خب، طبیعی است که افراد کلیدی حزب امروز در دولت هستند. آنها سهم و نقش موثری در دولت دارند.

وقتی شنیدم آقای روحانی انتخاب شده، خودم شوکه شدم. تصور من این بود که آقای قالیباف احتمالا شانس بیشتری دارد.

تسنیم: یعنی در آن زمان شما کارگزاران را هم جزو افراطی‌ها می‌دانستید؟

موسویان: ما کارگزاران را معتدل نمی‌دانستیم، در غیر این صورت ما به کارگزاران می‌پیوستیم.

تسنیم: یعنی کارگزاران را افراطی می‌دانستید؟

ما فکر می‌کردیم کارگزاران نمی‌تواند شامل جناح معتدل متدین راست باشد. با آن شاکله‌ای که درست شده بود. مثلا فرض کنید که در حزب اعتدال آقای ایروانی آمد، که وزیر اقتصاد بود. آقای قاسمی آمد، خود آقای بانک؛ اینها بچه‌هایی بودند که همه از جناح راست آمده بودند و نمی‌توانستند بروند به کارگزاران و نمی‌شد آنها را در آن طیف تعریف کرد. یعنی اگر ما فکر می‌کردیم که کارگزاران می‌تواند جریان اعتدال باشد خودمان هم می‌پیوستیم. خود من هم همان زمان به کارگزاران دعوت شدم اما نپیوستم.

تسنیم: یعنی معتدل نبودند؟

موسویان: معتدل نبودند. به نظر من معتدل نبودند.

تسنیم: اما الان جزو احزاب نزدیک به دولت محسوب می‌شوند و به دولت مشاوره می‌دهند.

موسویان: الان اگر ما بگوییم دولت آقای روحانی ۱۰۰ درصد موفق بوده است که معتدلین دو جناح را در زیر یک چتر جمع کند، این درست نیست. اما من فکر می‌کنم گرایش ایشان و بینش ایشان و خواست سیاسی وی این است که معتدلین دو جناح را [در دولت به کار گیرد] مثل وزیر کشور که یک فرد معتدل از جناح راست است یا مثلا رئیس دفتر، آقای نه‌اوندیان که یک فرد معتدل از جناح راست است؛ فرض کنید حالا آقای ترکان، نعمت زاده، نوبخت هم هستند. به قول شما ممکن است یکی دو نفر از کارگزارانی‌ها هم باشند که معتدل‌تر هستند. چون در داخل هر حزبی معمولا افراد معتدل و افراطی نیز هستند.

ما کارگزاران را معتدل نمی‌دانستیم... ما فکر می‌کردیم کارگزاران نمی‌تواند شامل جناح معتدل متدین راست باشد.

تسنیم: آقای موسویان در مورد افراطی‌ها صحبت کردید، می‌خواستم بدانم نقش افراطی‌ها را در حادثه ۸۸ چگونه ارزیابی می‌کنید، اینها چه نقشی در حادثه ۸۸ داشتند؟

موسویان: کل جریان ۸۸ یک جریان افراطی بود. شما منظورتان ۷۸ است یا ۸۸؟ من اول برگردم به ۷۸، به نظر من کل جریان ۱۸ تیر ۷۸، آن اتفاقاتی که افتاد، در خیابان و آتش سوزی‌ها و شعارهایی که داده شد، کل اش یک جریان افراطی بود.

تسنیم: یعنی برگرفته از همان جریان افراطی که شما بدان اشاره کردید؟

موسویان: من فکر می‌کنم اینطور بود. آن زمان ما در شورای امنیت ملی بودیم. من معاون شورای عالی امنیت ملی بودم. من واقعا به عنوان یک کارشناس، از دید امنیت ملی این اتفاقاتی که در تیر ۷۸ روی داد را، تظاهرات و آن نوع

شعارهایی که سر داده شد، اینها را واقعا مغایر منافع ملی ایران می‌دانستم.

اما در مورد انتخابات ۸۸، من فکر می‌کنم که حوادث بعد از انتخابات خوب مدیریت نشد. اگر بخواهیم منصفانه به موضوع نگاه کنیم، برخوردهای افراطی از هر دو طرف صورت گرفت. ای کاش از همان ابتدا عده‌ای از عقلا، معتدلین، متدینین دور هم جمع می‌شدند و این را از همان نقطه شروع مدیریت می‌کردند و نمی‌گذاشتند به درگیری‌های خیابانی منجر شود. به هر حال انتخابات انجام شده بود. من در مصاحبه‌ها و کنفرانس‌های بیرون کشور که [حضور] داشتم تصور آنها این بود که مثلا جنبش سبز به دنبال تغییر رژیم در ایران بوده است. تصور بیرونی منظورم است. من خودم هیچ وقت چنین تصویری نداشتم.

تسنیم: شما جنبش سبز را برانداز نمی‌دانستید؟

موسویان: من هیچ وقت چنین اعتقادی نداشتم. می‌گفتم اگر رهبران جنبش سبز، آقای کروبی، موسوی و خاتمی تلقی شوند. آقای کروبی وقتی می‌خواست کاندید شود می‌رفت از آقا اجازه می‌گرفت که کاندیدا شوم یا نه. آقای خاتمی وقتی می‌خواست کاندیدا شود می‌رفت از آقا اجازه می‌گرفت که کاندیدا شوم یا نشوم. تا آنجایی که من یادم است برای تصمیمات مهم این افراد خدمت آقا می‌رفتند و از آقا اجازه می‌گرفتند و اگر آقا یک جایی مخالف بود قطعا اینها مخالف نظر ایشان اقدام نمی‌کردند.

تسنیم: ولی مشی حضرت آقا اینگونه بوده است که به همه اجازه می‌دادند که در انتخابات کاندیدا شوند، یعنی هیچ وقت اظهار نظر نمی‌کردند، نه می‌گفتند بشوید و نه می‌گفتند نشوید.

موسویان: درست است. ولی همین احترام به مقام رهبری است. چون ما در قانون اساسی نداریم که اگر کسی بخواهد کاندیدا شود باید برود از آقا اجازه بگیرد. به خاطر همین هم آقا به کسی نمی‌گفتند شما کاندید شوید یا نشوید. ولی همین که حرمت مقام رهبری را حفظ می‌کردند و می‌روند و می‌گویند آقا ما چنین قصدی داریم و آمده‌ایم از جناب عالی اجازه بگیریم، خود این نشان می‌دهد که اینها می‌خواستند در چارچوب قانون اساسی باشند. من معتقدم که اینها خواستار نقض قانون اساسی یا ضد قانون اساسی نبودند. کنار این قضیه حواسمان باشد که همین‌ها روحانی هم بودند؛ آقای خاتمی، آقای کروبی روحانی بودند. رئیس جمهور کشور بودند، رئیس مجلس بودند، نماینده امام بودند، حتی نماینده خود آقا بودند. من فکر می‌کنم برخوردهای افراطی صورت گرفت. من ۱۰۰ درصد با کل این تظاهرات خیابانی که به بی‌نظمی و آشوب و اینها انجامید، واقعا مخالف بودم.

کل جریان ۸۸ یک جریان افراطی بود... من فکر می‌کنم برخوردهای افراطی صورت گرفت. من ۱۰۰ درصد با کل این تظاهرات خیابانی که به بی‌نظمی و آشوب و اینها انجامید، واقعا مخالف بودم.

تسنیم: فکر کنم منظورتان از شروع، شما نمی‌خواهید بگویید که در شروع مدیریت نشد، یعنی کسی مثلاً می‌توانست آقای موسوی را مدیریت کند که نگویید تقلب شد؟

موسویان: نه اصلاً من حرف دیگری می‌زنم. من می‌گویم باید یک جمعی مجاب می‌کردند آقای کروبی و آقای موسوی را که به هر حال اگر شما معتقد هستید که تقلب صورت گرفته، وقتی رهبری صحت انتخابات را تایید می‌کنند، وقتی شورای نگهبان تایید می‌کند؛ تمام.

تسنیم: شما به اینکه اساساً قبل از انتخابات سناریوی تقلب و حتی درگیری‌های خیابان برنامه‌ریزی شده بود، کلاً اعتقاد ندارید؟

موسویان: من اصلاً نمی‌دانم. من نمی‌توانم جزئیات را تجزیه و تحلیل کنم. چون من خودم در آن مقطع درگیر بحران سیاسی مربوط به خودم بودم. من تصمیم گرفتم به هیچ وجه من الوجوه در هیچ ستادی نروم. و اصلاً و مطلقاً در فعالیت‌های انتخابات هیچ حضور و فعالیتی نداشته باشم. نه به ستادی رفتم. نه در هیچ انتخاباتی بودم، نه در مباحث قبل از انتخابات، نه در مباحث بعد از انتخابات. نه با کسی صحبت می‌کردم.

تسنیم: اینکه می‌فرمایید که مدیریت نشدند یا مثلاً با آنها برخورد نشد شاید منظورتان قبل از انتخابات است چون این سناریویی بود که از مدت‌ها قبل از انتخابات کلید خورده بود؟

موسویان: قبل از انتخابات، گفتم خدا را گواه می‌گیرم اصلاً نمی‌دانستم. چون اصلاً نبودم. خودم را کاملاً کنار کشیده بودم. کاملاً و صد درصد کنار نشسته بودم.

تسنیم: چون اگر ما کل اطلاعات را با هم در نظر بگیریم و قبل و بعد از انتخابات را کنار هم نچینیم نمی‌توانیم به جمع‌بندی درستی برسیم.

موسویان: قبول است، من می‌خواهم برگردم به خود انتخابات.

تسنیم: انتخابات یک پروسه بود که تنها یک بخش آن روز انتخابات و موضوع تقلب بود. آقای ابطحی و آقای حجاریان و خیلی‌های آمدند و اذعان کردند که این یک برنامه بود. یک طرح از پیش برنامه‌ریزی شده بود. آقای ابطحی در دادگاه علناً گفت که اصلاً تقلبی صورت نگرفته است.

موسویان: می‌گویم اینها را من اطلاع ندارم.

تسنیم: ندانستن این موارد و نادیده گرفتن آنها باعث می‌شود که اشتباه تحلیل کنیم و بگوییم که باید با آقای موسوی و کروبی بهتر برخورد شود.

موسویان: من حرف دیگری می‌زنم. من حرفم این نیست. می‌گویم چون اصلاً در فعالیت‌های انتخاباتی قبل از ۸۸ هیچ نوع حضوری نداشتم و در هیچ ستادی و در هیچ جلسه‌ای نبودم، بنابراین اطلاع نداشتم. من اصلاً بر می‌گردم به انتخابات. یک انتخاباتی انجام شد. یک عده معتقد بودند که تقلب شده است، یک عده معتقد بودند تقلب نشده است. بالاخره این طبیعی است در جامعه‌ای که آزاد است دموکراسی هم هست نمی‌شود گفت که شما چطور فکر کنید و چطور اعتقاد داشته باشید. اما از لحظه‌ای که رهبری رسماً صحت انتخابات را تایید کرد و شورای نگهبان هم رسماً صحت انتخابات را تایید کرد به چالش کشیدن نتیجه انتخابات به مصلحت منافع ملی ایران نبود. در چارچوب قانون اساسی هم نبود. من اصلاً می‌خواهم کلی‌تر و فراجناحی‌تر فکر کنم.

تسنیم: یعنی اشتباه استراتژیک موسوی و کروبی را در این مقطع قبول دارید؟

موسویان: من اگر جای آقای موسوی و کروبی بودم، خدمت آقا می‌رفتم و عرض می‌کردم که آقا از نظر ما این انتخابات سالم نبوده، چون حضرتعالی می‌فرمایید که سالم بوده و تایید می‌کنید، چون شورای نگهبان تایید می‌کند ما تمکین می‌کنیم. تمام!

تسنیم: آنها استناد هم نداشتند که تقلب شده.

موسویان: اصلاً مهم نبود که استناد داشته باشند یا نداشته باشند. من می‌گویم کلاً تمام دیگر!

از لحظه‌ای که رهبری رسماً صحت انتخابات را تایید کرد و شورای نگهبان هم رسماً صحت انتخابات را تایید کرد به چالش کشیدن نتیجه انتخابات به مصلحت منافع ملی ایران نبود.

تسنیم: حتی اگر یک جایی به فرض محال (فرض محال که محال نیست) ادعای آنها مستند هم بود باید قبول می‌کردند؟

موسویان: البته اگر مستند بود که رهبری آن موضع را نمی‌گرفت. ببینید، من معتقدم که رهبری معتقد بود که هیچ چیز مستندی وجود ندارد. اما به فرض محال که مستندی هم وجود داشت بالاخره انتخاباتی برگزار شده و تمام شده بود. دعوای داخلی، لشگر کشی خیابانی یا از آن طرف آن اتفاقاتی که در کهریزک افتاد... خاطرتان هست اتفاقاتی که در کوی دانشگاه افتاد و در کهریزک، اولین معترض به آن خود مقام معظم رهبری بود.

ایشان هم به لشگر کشی خیابانی معترض بودند و هم معترض بودند به نحوه برخوردهایی که در کهریزک و دانشگاه تهران صورت گرفت. به این می‌گویند اعتدال دیگر. ایشان نه برخوردهای افراطی آن طرف را، نمونه‌اش کهریزک و دانشگاه و نه برخوردهای افراطی این طرف و برگزاری بدون مجوز تظاهرات و این بساطی که در کشور راه افتاده را قبول نداشتند. من خودم دلم می‌خواست که بلافاصله بعد از انتخابات این بحران خاتمه پیدا کند. آقای موسوی و

کروبی هم همان روابط گذشته را احیا کنند. اگر آن موقع آقای موسوی و آقای کروبی خدمت آقا می‌رسیدند و می‌گفتند آقا به هر حال ما اعتقاد خودمان را داریم و اشکالی هم ندارد، حرف آخر مال شماست. و چون شما فرمودید ما مطیع هستیم. سکوت می‌کنیم، تمام! از آن طرف هم تقاضا می‌کردند با این برخوردهایی که در کهریزک و در دانشگاه شد، خیلی جدی برخورد شود، متخلفین مجازات شوند و معلوم شود، قضیه را تمام می‌کردند.



تسنیم: شما قائل به تقلب بودید؟

موسویان: من به خدا اصلا هیچ درگیر انتخابات نبودم.

تسنیم: بالاخره شما به عنوان یک کارشناس که از بیرون روند انتخابات را نگاه می‌کند، با توجه به سابقه حضور در ستاد آقای ناطق، اصلا امکان تقلب وجود دارد؟

موسویان: نه، من در ستاد آقای ناطق در سال ۷۶ تقلبی ندیدم.

تسنیم: خب شما سازو کار را دیدید؟

موسویان: ساز و کار را دیدم.

تسنیم: خب با این ساز و کار، وجود ناظرها از شورای نگهبان و ناظرهای مردم، آیا اساسا امکان تقلب در آن سطحی که ادعا می‌کردند، وجود داشت؟

موسویان: ببینید، من خبر ندارم که اصلا نمایندگان آقای موسوی و کروبی، مستنداتی به شورای نگهبان دادند یا نه، من اصلا خبر ندارم. دادند یا ندادند؟ اگر ندادند که اصلا چرا مطرح می‌شود؟ اگر دادند، شورای نگهبان رسیدگی کرده و گفته که اینها درست نیست و تمام دیگر. اصلا من با کل این قضیه مخالف بودم.

تسنیم: بالاخره از نظر شما تقلب شده بود یا نشده بود؟

موسویان: نمی‌دانم من، اصلا کاری به این قضیه نداشتم. من می‌گویم وقتی رهبری و شورای نگهبان صحت انتخابات را تایید کردند ما باید بگوییم صحیح بوده است دیگر تمام!

تسنیم: اینطوری بار را انداختن به دوش رهبری نیست؟

موسویان: نه! نه! شورای نگهبان هم تایید کرد. شورای نگهبان هم تایید کرده بود. بالاخره آنها در عالی‌ترین سطوح جزییات را دارند. من که خانه‌نشین بودم. در هیچ جلسه‌ای شرکت نمی‌کردم. در هیچ ستادی نمی‌رفتم. با احدی درباره مسائل انتخابات صحبت نمی‌کردم. من اصلا چه اطلاعی داشتم؟

بعد از انتخابات هم همین‌طور بود. بعد از انتخابات نه من تظاهراتی رفتم، در هیچ چیزی هم شرکت نکردم. اما وقتی که رفتم آمریکا، من فضایی دیدم در آمریکا، انگار تصور عمومی سیاستمداران آمریکا و افکار عمومی آمریکا این بود که یک جنبش سبزی در ایران راه افتاده که دیگر صد درصد تغییر رژیم را محرز کرده است. من اصلا نمی‌خواستم مصاحبه کنم. می‌خواستم سکوت را مثل داخل ادامه دهم. اما وقتی دیدم یک چنین برداشت فوق‌العاده خطرناکی حاکم شده بر افکار عمومی غرب و بر سیاستمداران غرب، وال استریت ژورنال که با من صحبت کرد اصلا کل این تصوراتی که جنبش سبزی وجود دارد که می‌خواهد تغییر رژیم دهد، اولاً این یک تصور غلط است ثانیاً اصلا تغییر رژیم اتفاق نمی‌افتد. مبنای شما کلاً بی‌اساس است و نظام بسیار مقتدرتر از این است که با چند تظاهرات به چالش کشیده شود؛ ثالثاً این یک مسئله داخلی است که خیلی زود و به سادگی حل می‌شود. چیز خیلی مهمی نیست.

نظام بسیار مقتدرتر از این است که با چند تظاهرات به چالش کشیده شود

تسنیم: فرمودید که در آن مقطع دچار بحران سیاسی خودتان بودید. درباره این بحران سیاسی که در گیر آن بودید مقداری توضیح دهید. چه اتفاقی افتاد، شاخصه‌ها و مختصات این بحرانی که از آن صحبت کردید، چه بود؟

موسویان: چون بعد از بحران برای من محرز شد که مقامات عالی نظام نظرشان این است که به محتوای این حادثه و مسائلش دامن زده نشود، سکوت کردم. البته اعتقاد خودم هم همین بود. من واقعا قبل از اینکه آزاد شوم از من سوال کردند شما چه موضعی خواهید گرفت؟ من گفتم من سکوت خواهم کرد. بعداً هم که، یعنی بعد از تصمیم خودم پیامی به من داده شد که به مصلحت نظام و به مصلحت منافع ملی این است که شما سکوت کنید. این صد درصد به اعتقاد خودم هم همراه بود. من از ابتدای بحران تا به امروز سکوت کردم. قبل از رای دادگاه در اوج اتهامات در سطوح عالی من سکوت کردم. بعد از رای دادگاه با این که من تبرئه شدم باز هم اتهام می‌زدند، باز هم سکوت کردم. ۴ سال بیرون بودم. هر کس آمد سراغ من گفتم من یک کلمه درباره موضوع شخصی خودم صحبت نمی‌کنم. بنابراین به من اجازه بدهید که همان راه را ادامه دهم. من واقعا به مصلحت کشور نمی‌دانم که اینگونه مسائل به حق یا به ناحق در افکار عمومی مطرح شود.

آن چیزی که برای من سکینه قلبی بود و به من آرامش می‌داد این بود که در سطوح عالی افرادی که باید بدانند اینها بی‌اساس است، می‌دانستند.

تسنیم: ولی شما از تمام اتهامات تبرئه نشدید؟

موسویان: ببینید اصل این اتهامات که می‌زدند، اصل محور اتهاماتی که در تمام رسانه‌ها مطرح می‌شد، جاسوسی بود.

تسنیم: نقش آقای هاشمی در حمایت از شما چگونه بود، ایشان در اوج اتهامات شما را با خودش به جلسات و به اماکن عمومی می‌برد.

موسویان: نه. آقای هاشمی در کل چند ماه اول یک کلمه بیشتر نگفتند. گفتند «حقیقت روشن خواهد شد.» چیزی بیشتر از این نگفتند. یک وقتی هم که من به مرکز تحقیقات در یک جلسه‌ای رفتم، ۶-۵ ماه بعد از بازداشت من بود.

تسنیم: ولی بالاخره شما خودتان دیپلمات هستید، می‌دانید تمام این کنش و واکنش‌ها حرف دارد؟ اینکه ایشان شما را با خود به جلسات ببرند به معنی حمایت از شماست.

موسویان: ببینید واقعیت درباره پرونده من این بود که فقط آقای هاشمی نبود. خاطرتان هست صریح‌ترین اظهار نظر را درباره پرونده من آقای ناطق داشت. آقای ناطق در جمع وعاظ تهران خیلی صریح و رک و پوست کنده اعلام کرد که من از ابتدای این پرونده تا به امروز در جریان هستم. همه پرونده را هم مطلع هستم. اتهامات بی‌اساس است.

تسنیم: ولی آقای ناطق قاضی پرونده نبودند.

موسویان: نه! ببینید شما الان کنش و واکنش را می‌گویید. من می‌خواهم کنش و واکنش را بحث کنم.

تسنیم: اگر آقای هاشمی مسئولیت آن اسنادی که دست شما بود را نمی‌پذیرفت باز شما حکم‌تان تعزیری می‌شد؟

موسویان: اصلاً اسناد، اسناد مهمی نبود. آن اسناد اسناد دوره سفارت خودم در آلمان بود. من از سوابق خودم یک کپی آورده بودم. گزارش‌هایی که خودم نوشته بودم. در منزل بنده یک فقره سند راجع به دوره شورای عالی امنیت ملی نبود. یک دوره ماموریتی بود و گزارش‌هایی که خودم نوشته بودم. من دلیلی برای نگه داشتن این اسناد داشتم که آن را نمی‌گویم. اما مقامات عالی وزارت خارجه هم امضا کرده بودند که من می‌توانم یک کپی از این اسناد را برای خودم داشته باشم. طبق قانون نگه داشتن حتی اصل سند سری با اجازه مقام مافوق قانونی است.

من دلیلی برای نگه داشتن این اسناد داشتم که آن را نمی‌گویم. اما مقامات عالی وزارت خارجه هم امضا کرده بودند که من می‌توانم یک کپی از این اسناد را برای خودم داشته باشم.

تسنیم: اما اگر آقای هاشمی نمی‌پذیرفتند؟

موسویان: نه قبل از آقای هاشمی؛ مسئولان وزارت خارجه مجوز داده بودند. کاری به هاشمی ندارد. مسئولان وزارت خارجه، پذیرفته بودند. اجازه بدهید من اسم نیاورم. وزارت خارجه‌ای که بنده کارمندش بودم. در همان مقطع، اصلاً چه کاری به آقای هاشمی دارید؟ کسی که مکتوب امضا کرده بود و اجازه داده بود مقامات وزارت خارجه بودند. طبق قانون هم اگر مقامات بالاتر شما به شما اجازه بدهند، شما می‌توانید حتی اصل سند سری را برای خود نگه دارید. دیگر بالاتر از این که نیست که؟

اولاً این اسناد مربوط به ۱۵ سال قبل می‌شد. ثانیاً گزارش‌های خودم بود. یعنی اینهایی که خودم نوشته بودم. ثالثاً با مجوز مقامات وزارت خارجه بود. نگه داشتن این اسناد علتی داشت که من نمی‌خواهم آن علت را باز کنم. ولی مقامات سیاسی و امنیتی کشور دقیقاً به علت نگهداری اسناد واقف شدند و این که چرا مسئولان وقت وزارت خارجه به من اجازه دادند از عملکرد خودم در دوره آلمان یک کپی داشته باشم.



تسنیم: پس حبس تعلیقی شما برای چه بود؟

موسویان: نه، اجازه بدهید. در دادگاه اول از هر سه اتهام تبرئه شدم. بعد هم در همان رای آقای حداد [قاضی پرونده] نوشت که اینها با مجوز مقامات عالی بود. آقای حداد در رای اش هم نوشت اتهامی به نام اتهام جاسوسی در پرونده وجود ندارد. ۶ ماه بعد از بازداشت بنده.

اما آنقدر در سطوح بالا و در افکار عمومی به این موضوع دامن زده شد که کل جامعه نسبت به چیزی که اصلاً وجود خارجی ندارد و به کل رسانه‌های دنیا کشیده شده حساس شدند و در انتها مجبور شدند دادگاه بعدی را هم تشکیل دهند. این چیزی بود که به افکار عمومی دنیا کشیده شده بود، دادگاه هم مجبور شد رسیدگی کند و تبرئه کردند. اصل مسئله این بود. حالا نهایتاً در دادگاه سوم رأی دادند که بنده ۵ سال از خدمات مربوط به حوزه دیپلماتیک محروم باشم، نه از مشاغل دولتی، فقط دیپلماتیک. قاضی پرونده هم به خوبی می‌دانست که نه آقای احمدی‌نژاد به من پست می‌داد و نه من از ایشان پستی می‌پذیرم. کاملاً روشن بود چون اولین کسی که آقای احمدی‌نژاد برای [پست] وزیر خارجه دعوت کرد من بودم. با اولین کسی که برای وزیر خارجه اش صحبت کرد، من بودم. اما ما دو ساعت صمیمی، دوستانه خیلی صمیمی صحبت کردیم و دیدم که ما اختلاف نظر فوق‌العاده عمیقی در سیاست خارجی با همدیگر داریم. من فکر می‌کردم که وزیر خارجه باید کسی باشد که به سیاست‌های رئیس‌جمهور معتقد و وفادار باشد. من خب اعتقاد نداشتم. من به ایشان گفتم کسی باید این پست را بپذیرد که به سیاست‌های رئیس‌جمهور معتقد باشد. من اعتقاد نداشتم. من به ایشان گفتم اگر این پست را بپذیرم، باید منافق باشم. به چیز دیگری اعتقاد داشته باشم و بیایم کاری کنم که به آن اعتقاد ندارم.

حالا بعد از اینکه آقای احمدی نژاد این بحث را با من کرد شاید روزهای اول بود که آقای متکی وزیر خارجه شده بود و مرا دعوت کرد و گفت موسویان! من ابلاغ شما را به عنوان مسئول امور هسته‌ای کل وزارت امور خارجه آماده کرده‌ام.

تسنیم: اصلا چنین جایگاهی در وزارت خارجه داریم؟

موسویان: نه، خب می‌خواست این را درست کند که کل وزارت خارجه یک پست در سطح معاونین داشته باشد و به من گفت که حتی معاونین و تمام نمایندگی‌ها را هم موظف کرده تا در این پست با من هماهنگ باشند. من گفتم آقای متکی! من نه مشکل پست دارم و نه مشکل حقوق دارم. من مسئله‌ام این چیزها نیست. ما نسبت به سیاست‌های هسته‌ای اختلاف نظر داریم. الان همه اجزا و ارکان باید با هم همفکر و متحد باشند و برای اینکه پیشبرد برنامه هسته‌ای واقعا ایجاب می‌کند که شورای امنیت، وزارت خارجه اینها همه متحد و به یک استراتژی معتقد باشند. خب من که می‌دانید اختلاف نظر دارم. من به آقای متکی گفتم برای من مثل روز روشن است که با این سیاست پرونده ایران به شورای امنیت می‌رود. برایم مثل روز روشن است که تحریم می‌شویم و من نمی‌توانم این مسیر را بپذیرم. بعد از آن آقای لاریجانی با من صحبت کرد.

اولین کسی که آقای احمدی نژاد برای [پست] وزیر خارجه دعوت کرد من بودم... ما دو ساعت صمیمی، دوستانه خیلی صمیمی صحبت کردیم و دیدم که ما اختلاف نظر فوق‌العاده عمیقی در سیاست خارجی با همدیگر داریم.

تسنیم: آقای محمد جواد لاریجانی؟

موسویان: نه، علی لاریجانی، من بعد از انتخاب آقای احمدی نژاد مشاور سیاست خارجی لاریجانی شدم. یعنی من و علی آقا بعد از ۸ سال که در شورای امنیت همکار و رفیق نزدیک بودیم و امروز هم هستیم، علی آقا به من گفت که تو تنها کسی از تیم هسته‌ای سابق هستی که می‌خواهم به او مسئولیت بدهم تا در کنار من باشد. مشاور من در امور سیاسی باش و به من کمک کن. من گفتم چشم! هر کاری از دست من بر برآید انجام می‌دهم.

این را وقتی علی آقا گفت که دید من پست هسته‌ای وزارت خارجه را نپذیرفتم. هسته‌ای وزارت خارجه را هم خود آقای لاریجانی به آقای متکی گفته بود که آقای موسویان آنجا باشد، اینجا هم آقای وحیدی است. من نمی‌خواستم با آقای وحیدی اصطکاک پیدا کنم. من می‌خواستم که متفق القول بروند جلو، هر تفکری که دارند. ما دیگر داخل خودمان دعوا نکنیم. چون ما خیلی اذیت شدیم. چالش‌هایی که داخل خودمان داشتیم. من نمی‌خواستم من برای تیم جدید عامل چالش باشم. بعد آقای لاریجانی به من گفت که با آقای متکی صحبت کرده بودند، که شما سفیر ایران در چین شوید. گفتم من باز نمی‌توانم. سفیر باید معتقد به سیاست خارجی رئیس‌جمهور باشد. برود مرد و مردانه از سیاست خارجی رئیس‌جمهور دفاع کند.

تسنیم: گفتید که یک سری اطلاعات محرمانه داشته‌اید و اینها چیزی بوده که خودتان نوشته بودید این سوال

واقعا می‌ماند که چرا آقای موسویان که خودشان اینها را تدوین کرده‌اند و طبعا کسی که نگارنده است از تمامی محتوا مطلع است، اینها را نگه داشته است؟

موسویان: عرض کردم علنی دارد که نمی‌خواهم بگویم. به این دلیل که این کاملا مغایر مناقع نظام است. منتها اینکه گفتند ایشان اطلاعات محرمانه در خانه‌اش داشته. آنها فقط و فقط درباره دوره ماموریت من در آلمان است. همه هم گزارش‌های خودم بود که کپی داشتم. آن هم با مجوز مقام بالاتر خود در وزارت خارجه و صد در صد هم قانونی بود.

تسنیم: پس با این حساب چه می‌شود که شما به ۵ سال محرومیت از مشاغل محکوم می‌شوید؟

موسویان: بعد از اینکه رای سوم دادگاه‌ها اعلام شد من گفتم من رای را قانونی نمی‌دانم اما برای حفظ مصالح نظام به رای اعتراض نمی‌کنم و سکوت می‌کنم برای اینکه من چالش در داخل بر سر منافع ملی را واقعا مغایر مصالح می‌دانم. از طرف خودم نمی‌خواستم این چالش ایجاد شود. حالا خاطرتان باشد که به آقای هاشمی اشاره کردید عرض کردم اولاً در صحن علنی آقای لاریجانی دفاع کرد. آقای لاریجانی رفت به دانشگاه شریف و گفت دین خود را نفروشید موسویان جاسوس نیست. آقای ناطق دفاع کرد. اینها همه رهبران جناح راست بودند.

در پشت پرده، افرادی که از جناح راست از من دفاع می‌کردند بیشتر از افرادی بود که در طیف مقابل دفاع می‌کردند. خب برای اینکه تمام عمر سیاسی من بیشتر با جناح راست بود. افرادی بودند که فامیل و خانواده و پدر و تمام زندگی مرا می‌شناختند. آنها شهادت دادند که این اتهامات بی‌اساس است.

تسنیم: ولی به نظرتان این پارادوکس نیست که شما بخشی از یک رای که شما را از جاسوسی تبرئه کرده قبول کنید و بقیه رای را که اخلال در امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام است، قبول نکنید و بگویید اینها از نظر حقوقی درست نبود؟

موسویان: نه ببینید. رای که به نظر من مشخص بود. چون من روزی که خدمت آقای صلواتی رفتم از ایشان خواهش کردم دادگاه علنی برگزار شود و ایشان گفت نه، گفتم چه اشکالی دارد همه رسانه‌ها را دعوت کنید. داخل و خارج بیایند. کتبی این تقاضا را دادم. ایشان مخالفت کرد. چون می‌خواستم بگویم که در طرف مقابل مقاماتی بودند که تقاضای دادگاه علنی می‌کردند. من در نامه‌ام نوشتم که طرف مقابل که تقاضای دادگاه علنی کرده، من هم تقاضا می‌کنم. دو طرف متقاضی هستند دیگر. من که ترسی از دادگاه علنی ندارم. ضمن اینکه مخالف بودم با علنی شدن محتوای این بحث. ولی وقتی طرف مقابل یکسره می‌گفت علنی باشد خب طبیعتا من هم پذیرفتم.

تسنیم: چگونه این را پارادوکس نمی‌دانید؟

موسویان: من که متوجه می‌شدم این قضیه کاملا سیاسی است.

تسنیم: شما می‌گویید دولت که رفیق شما بودند؟

موسویان: من نگفتم دولت رفیق من بود. آقای احمدی نژاد که مرتب به من اتهام می‌زد.

تسنیم: از شما دعوت کرد برای وزارت...

موسویان: خب بله، اما بعدش که اینطور نبود. آن اول بود. من یک واقعیت تاریخی را گفتم. گفتم آقای احمدی نژاد اولین کسی که برای وزارت خارجه دعوت کرد، من بودم.

تسنیم: یعنی هیچ تحلیلی ندارید که آقای احمدی نژادی که اولین گزینه‌اش آقای موسویان بود، چرا یکباره اینگونه تغییر موضع داد؟

موسویان: تحلیل دارم. اطلاعات هم دارم. نمی‌خواهم بگویم. نه اینکه ندانم. اگر بدانید واقعا به مصلحت کشور نیست. من خودم را قربانی کردم در این مدت. در حد ۷ میلیارد به من اتهام بی‌اساس زده شد. در خارج از کشور هزاران رسانه به من مراجعه کرد من یک کلمه درباره خودم صحبت نکردم. یک کلمه در هیچ مصاحبه‌ای صحبت نکردم. سعی کردم فقط از مسائل کشور صحبت کنم و دفاع کنم. من به خودم این را می‌گفتم که جهاد با نفس تو این است که درباره مسائل شخصی‌ات صحبت نکنی و از مصالح کشور دفاع کنی. آن مسائل را هم به خدا واگذار کنی.

تسنیم: ما چند نمونه دیپلماسی داریم. دیپلماسی رسمی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی پنهان، دیپلماسی عمومی و... برخی می‌گویند که شما در دیپلماسی پنهان جمهوری اسلامی خصوصا در دوره روحانی نقش موثری داشته‌اید. به صورت خاص این گفتگوی تلفنی اوباما و روحانی، با نظارت و میانجی‌گری شما صورت گرفته است.

موسویان: من گفتگوی تلفنی را واقعا بعد از اینکه اخبار رسانه‌ها منتشر کردند، مطلع شدم. قبلش هیچ اطلاعی نداشتم. اولین جایی هم که این خبر را تکذیب کردم با خود خبرگزاری تسنیم بود که اعلام کردم خود من در جریان نبودم. ببینید من اگر نقشی را در دیپلماسی در ۴ سال گذشته بازی کردم در دیپلماسی عمومی بوده است. در روشنگری افکار عمومی جهان غرب راجع به مواضع ایران بوده است. اگر شما نظرسنجی یک ماه پیش گاردین را که آنلین مطرح کرد که توافق هسته‌ای ژنو که به دست آمد دلایلش چه بود؟ ۱. روشنگری‌ها و مقالات و سخنرانی‌های حسین موسویان ۲. انتخاب آقای روحانی، ۳. مواضع آقای کری و اوباما و... یعنی آنها هم می‌دانند که من در صحنه دیپلماسی عمومی در عالی‌ترین سطوح رسانه‌ای اعم از نیویورک تایمز، واشنگتن پست، گاردین، فایننشیل تایمز، وال استریت ژورنال، سی‌ان‌ان، لوموند... فعال بودم، من صدها مقاله و صدها کنفرانس و سخنرانی انجام داده‌ام. بسیاری از سخنرانی‌های من در آمریکا مستقیم از طریق تلویزیون پخش می‌شد. من در سانفرانسیسکو یک سخنرانی داشتم که بیشتر عمومی بود و از ۲۵۰ شبکه تلویزیونی و رادیویی آمریکا پخش می‌شد. بحث‌هایی هم که می‌کردم هیچ کسی

نشنیده بود. چون کسی در غرب وجود ندارد که مواضع ایران را تشریح کند واقعا کسی نیست. یعنی ما نه لابی قوی در آمریکا و غرب داریم، نه حضور گسترده فعال در رسانه‌های غرب. من احساس کردم در یک حدی شاید بتوانم این نقش را ایفا کنم.



تسنیم: درباره مسقط و رایزنی ایران و آمریکا نیز می‌گویند رد پای شما دیده می‌شود.

موسویان: اولاً مسقط در دوره آقای احمدی‌نژاد اتفاق افتاد. این که در دوره آقای روحانی نبود. یعنی عمده دیپلماسی پنهان ایران از دوره آقای احمدی‌نژاد شروع شد. دو دور مذاکره در مسقط هم که رسانه‌ها منتشر کردند در دوره آقای احمدی‌نژاد انجام شد. بنابراین شما حتما تایید می‌کنید که آقای احمدی‌نژاد به بنده ماموریت نمی‌دهد که بروم دیپلماسی پنهان انجام دهم. شما مطمئن هستید که ایشان چنین ماموریتی به بنده نمی‌دهد.

تسنیم: تا الان مطمئن بودیم. ولی با توجه به اینکه وزارت خارجه را اولین نفر به شما پیشنهاد کردند....

موسویان: نه، به هر حال، دعوایی که آقای احمدی‌نژاد با من داشت و یا بدبینی که نسبت به من پیدا کرده بود جدی بود. در این باره ایشان تعارف که نداشت. حالا مسائل برای ایشان روشن شده باشد و یا نه من نمی‌دانم. ان شاءالله که برایش روشن شده باشد. منتها اگر اتفاقاتی بعد از انتخاب آقای روحانی افتاد، اگر آقای قالیباف هم انتخاب می‌شد همان اتفاقات می‌افتاد. چون تمام جلسات و زمینه‌چینی‌ها و مذاکرات قبلاً صورت گرفته بود. یک سال قبل از انتخابات صورت گرفته بود.

تسنیم: در باره سفر به خارج از کشور توضیح می‌دهید؟ الان به نظر می‌رسد برگشتن‌تان با تمام شدن آن ۵ سال محرومیت از سمت‌های دیپلماتیک مصادف شده است.

موسویان: اولاً خاطرتان باشد که من یک سال بعد از رای در ایران ماندم. من بلافاصله بعد از رای نرفتم.

تسنیم: چطور شد که شما به دانشگاه پرینستون رفتید؟

موسویان: یک سال در ایران بودم. من بعد از رای نرفتم. منتها خانه‌نشین بودم. تصمیم گرفته بودم علی‌رغم اینکه از نظر حقوقی و قانونی معتبر نمی‌دانم به رای احترام بگذارم. بنابراین از پست‌های دیپلماتیک و بین‌الملل و هر چه بود استعفا دادم. یک سال قبل از بازداشت تقاضای بازنشستگی از وزارت خارجه کرده بودم. چندین ماه بعد از بازداشت هم، آقای شیخ الاسلام مرا خواست و گفت فشار زیادی روی وزارت خارجه است که شما بازنشسته شوید. گفتم من یک سال قبل از بازداشت تقاضا نوشته‌ام. همان را عملی کنید. تقاضای من یک سال و اندی است که در بایگانی اینجاست. همان تقاضای قبل از بازداشت را عملیاتی کردند و من با ۲۵ سال خدمت بازنشسته شدم. اما ترجیح دادم

به جای اینکه ۵ سال در خانه بنشینم، بروم به فرصت مطالعاتی. اول هم به آلمان رفتم. آلمان به چندین دانشگاهی که می‌شناختم مراجعه کردم. گفتند ما دوره دکترا برای تحقیق و تدریس به زبان انگلیسی نداریم. من ۳ تا دعوت داشتم. دعوت از دانشگاه کانادایی؛ از دانشگاهی در انگلیس و دانشگاهی از آمریکا. هیچ کدام را نمی‌خواستم بروم. اول رفتم آلمان بینم جایی هست که بمانم. اولاً که در آلمان جایی نبود و دانشگاهی پیدا نکردم که بتوان به زبان انگلیسی تحقیق و تدریس کنم. ثانیاً عده‌ای از ایرانی‌ها با من تماس گرفتند و فکر کردند حالا انتخاباتی شده است و جنبش سبزی، حالا من آمده‌ام بیرون رهبری جنبش سبز و... اصلاً من از این مسائل متنفر بودم. دیدم که در آلمان و اروپا ایرانی‌های زیادی مرا می‌شناسند و به خاطر اوضاع سیاسی کشور اصلاً صلاح نیست که من بمانم. انگلیس هم نمی‌خواستم بروم. کانادا تماس گرفت، انتخاب بعدی‌ام کانادا بود. گفتند دعوتی که از شما کرده‌ایم یک سال از آن گذشته است. تنها چیزی که داشتم پرینستون بود که هنوز معتبر بود. به همین خاطر آنجا رفتم. اگر در آلمان فرصتی پیدا می‌کردم می‌رفتم. اگر دعوتنامه من در کانادا هنوز معتبر بود می‌رفتم کانادا. چون انگلیس که به هیچ وجه نمی‌خواستم بروم، چون شبهه ایجاد می‌کرد.

تصمیم گرفته بودم علی‌رغم اینکه از نظر حقوقی و قانونی معتبر نمی‌دانم به رای دادگاه احترام بگذارم.

تسنیم: با چه سابقه‌ای آکادمیک برای شما دعوتنامه فرستادند؟

موسویان: اولاً من پی‌اچ‌دی داشتم، ثانیاً در دانشگاه‌های داخل اعم از دانشگاه آزاد، پژوهشکده علوم انسانی دکترا تدریس می‌کردم.

تسنیم: در آن موقع وال‌استریت ژورنال نوشت با آمدن شما به آمریکا پنجره‌ای از اطلاعات جدید باز شد.

موسویان: اتفاقاً نکته بسیار خوبی را گفتید. واقعا یک تحریف بزرگ ظالمانه‌ای در این گزارش وال‌استریت ژورنال صورت گرفت، من باز سکوت کردم.

تسنیم: اینجا که دیگر جای سکوت نبود؟

موسویان: نه، من نمی‌خواستم دامن زده شود. ولی شما بروید مقاله وال‌استریت ژورنال را الان بیاورید و بخوانید. شما در تسنیم مترجمین خیلی خوبی دارید. ببینید حرف من درست است یا نه و ببینید چه تحریف بزرگی صورت گرفت. در ادامه تحریف افکار عمومی علیه من.

تسنیم: لااقل یک تکذیبیه نباید می‌دادید؟

موسویان: مقاله هست دیگر، لازم نیست. در مقاله حرف‌هایی که من زده‌ام دقیق آمده. گفته‌ام تغییر رژیم صورت

نمی‌گیرد، غرب در اشتباه است. غرب باید با دولت آقای احمدی‌نژاد کار کند. ایران و آمریکا منافع مشترکی دارند. منافع مشترک ایران و آمریکا را در منطقه تشریح کرده‌ام و گفته‌ام نظام هم قدرتمند است و باید با جمهوری اسلامی همکاری کنید. این کل شاکله حرف‌های من است. بخوانید! مقاله وال استریت ژورنال را که عوض نمی‌کنند.

تیتراصل مقاله این بود که فلانی پنجره‌ای جدید به سمت تهران باز می‌کند. نه پنجره‌ای از اطلاعات. اصلا اطلاعات در تیتراصل نیست. Open new windows toward Tehran

یعنی آنجا می‌گفتند جنبش سبز و تغییر رژیم، اما این آمده و می‌گوید اولاً سقوطی در کار نیست؛ تغییر رژیمی در کار نیست. این دارد می‌گوید ایران و آمریکا منافع مشترکی دارند، دارد دولت آمریکا را برای همکاری با دولت احمدی‌نژاد دعوت می‌کند و دلایل‌اش را هم می‌آورد و این پنجره‌ای جدید به سمت تهران است. داخل حالا من نمی‌خواهم بگویم کی بود، نوشتند موسویان اطلاعات جدید در اختیار غرب قرار می‌دهد. اصلا تحریف کاملاً حساب شده بود.

تسینم: یعنی وال استریت ژورنال تحریف نکرده بود و مترجمین داخلی تحریف کردند؟

موسویان: مقاله وال استریت ژورنال موجود است. حرف‌هایی که من زدم جدید بود. این که من بعد از تظاهراتی که در خیابان‌های تهران بود و آتش‌سوزی‌ها، آن مقطع را در خاطر داشته باشید، یک نفر رفته در غرب و می‌گوید جنبش سبز آن چیزی نیست که بخواهد تغییر رژیم داشته باشد. اصلاً در ایران تغییر رژیمی صورت نمی‌گیرد. نظام مقتدر است. این یک مسئله داخلی است. به زودی حل می‌شود. بروید با دولت آقای احمدی‌نژاد همکاری کنید. روابط ایران و آمریکا منافع مشترک زیادی دارند و اینها هم فهرست زمینه‌های همکاری مشترک است. خب در آن مقطع یک حرف جدید بود. وال استریت ژورنال هم گفت پنجره‌ای رو به تهران باز کرده است؛ به سمت روابط بروید. اینها نوشتند که فلانی اطلاعات جدید در اختیار غرب قرار می‌دهد.

تسینم: بالاخره ایران می‌مانید؟

موسویان: قبل از انتخابات نمی‌خواستم بیایم. مادرم طی دو سال گذشته ۳ بار سی‌سی‌یو رفت. عید می‌خواستم بیایم و برخی دوستان دلسوز به من گفتند تو قبل از انتخابات بیایی، شبهه ایجاد می‌شود. ما هم که از شبهه فرار می‌کردیم. انتخابات که شد همه می‌گفتند بیا، گفتم اتفاقاً الان نمی‌خواهم بیایم. می‌خواهم همه پست‌ها تقسیم شود، بعدش بیایم.

تسینم: پیامی هم دریافت نکردید، از طرف آقای روحانی؟

موسویان: اصلا و مطلقا، هیچ کس به اندازه آقای روحانی نمی‌دانست که من از گرفتن پست دولتی منزجر هستم.

تسنیم: هیچ پیشنهادی نداشتید؟

موسویان: حالا ببینید. سابقه را به شما بگویم. من از آلمان که برگشتم، ۷۷-۷۶ من وزارت خارجه را ۲ ماه ترک کردم. آقای خرازی به من پیشنهاد پست داده بود. من به آقای خرازی گفتم که من اصلا دیگر می‌خواهم ول کنم.

تسنیم: چه پستی؟

موسویان: آقای خرازی به من گفت شما بیا هر پستی می‌خواهید من به شما بدهم. آقای خاتمی هم به آقای خرازی گفته بود آقای موسویان بیاید نفر دوم وزارت خارجه شود. خود آقای خاتمی به من گفت. من گفتم نمی‌خواهم. رفتم دانشگاه تهران برای فوق لیسانسم. می‌خواستم فوق لیسانسم را بخوانم. یک روزی آقای روحانی، به من زنگ زد و گفت که بیا کارت دارم و وقتی رفتم آنجا، گفت من الان باید فردی را مسئول کمیته سیاست خارجی شورای امنیت کنم. گفتم آقای دکتر من نیستم. من اصلا نمی‌خواهم کار دولتی انجام دهم. چون من هیچ وقت نیاز مالی در زندگی‌ام نداشتم. خدا لطف کرد پدرم قبل از انقلاب چند هزار دار قالی داشت. یک متول بود. به هر حال پدرم واقعا وضعش خوب بود. هیچ وقت من طی زندگی نیاز مالی احساس نکردم. من به آقای احمدی‌نژاد هم گفتم: (با لبخند) آقای احمدی‌نژاد شما بالاخره از طبقه مستضعف و اینها، من یه بچه حاجی، بورژوازی متمول‌ام، من اصلا مزه فقر نچشیده‌ام.

اولین بنزهایی هم که در کاشان بود پدر من گرفته بود. من اصلا آن تیپ نیستم. گفت: «نه، من بررسی کرده‌ام درباره خانواده تو، تو خانواده شهیدی، خانواده‌ات هم متدین هستند. برای من اصل آن است. یک خانواده متدین و شهید حالا متمول باشند، چه اشکال دارد.» بنابراین کسی که می‌رود، یا دلش پست می‌خواهد یا پول، من اصلا همیشه در زندگی‌ام از نظر مالی سیر بودم. نیازی نداشتم که دنبال پول بروم. آقای روحانی به من گفت: «بیا فقط یکی دو ماه، این مسئولیت را بپذیر تا من یکی را انتخاب کنم.» گفتم: «موقت قبول می‌کنم.» ایشان از آن روز می‌دانست که من از گرفتن پست دولتی منزجر هستم. حتی تا روزهای آخر دولت خاتمی، آقای خرازی من را به عنوان سفیر در روسیه معرفی کرد، بهار ۱۳۸۴، آقای خاتمی هم موافقت کرد من گفتم نمی‌روم. یعنی واقعا برای من فرق نمی‌کرد. واقعا نمی‌خواستم در دولت باشم. همان بهار ۸۴ آقای خرازی مرا به عنوان سفیر ایران در روسیه معرفی کرد، شورای معاونین تایید کرد، آقای خاتمی هم آماده بود. من گفتم اصلا نمی‌خواهم بروم. بعدش هم که آقای احمدی‌نژاد و آقای متکی گفتند، گفتم نمی‌خواهم بروم.

به آقای احمدی‌نژاد گفتم: آقای احمدی‌نژاد شما بالاخره از طبقه مستضعف و اینها، من یه بچه حاجی، بورژوازی متمول‌ام، من اصلا مزه فقر نچشیده‌ام. اولین بنزهایی هم که در کاشان بود پدر من گرفته بود.

موسویان: نه به هیچ وجه من الوجوه، من واقعا دنبال پست و مسئولیت نیستم و همین کاری که دارم انجام می دهم یعنی دیپلماسی عمومی در عرصه بین الملل. فکر می کنم موثر بوده ام، فکر می کنم خلا بزرگی وجود دارد. بحمدالله اینجا هم آنقدر نفر هست برای پست ها. اما کم کسی پیدا می شود که برود در دیپلماسی عمومی بدون دلار، بدون جیره و مواجب و بدون پست، کار کند؟

تسنیم: این تقسیم کار نیست که مثلا دیپلماسی عمومی را به شما سپرده باشند.

موسویان: در دوران آقای احمدی نژاد هم من ۴ سال کارم این بود. احتیاج به تقسیم کار نیست.

تسنیم: با آقای روحانی هماهنگ هستید؟

موسویان: ابداء...

تسنیم: باز خوردی از مطالب که مطرح کرده اید از ایشان داشته اید؟

موسویان: ابداء، من واقعا با تیم آقای روحانی که الان دست اندرکار هستند و مسئول رسانه های ایشان آقای صادق است، کمترین تماسی نداشته ام.

تسنیم: بعضی وقت ها یک پارادوکس هایی در سیاست خارجی آقای روحانی می بینیم، حداقل در تئوری و عمل، از یک طرف تئوریسین سیاست خارجی ایشان آقای دکتر سریع القلم صحبت می کنند و می گویند ما باید سیاست خارجی را از کف خیابان جمع کنیم، بعد از طرف دیگر بحث رابطه با آمریکا را مطرح می کنند که نظر سنجی بگذاریم و رابطه یا عدم رابطه با ایالات متحده را به رفراندوم بگذاریم. آیا این به معنای به کف خیابان آوردن سیاست خارجی نیست، نظر شما درباره این پارادوکس ها چیست؟

موسویان: ببینید، من این را هم درست می دانم و هم غلط، درست از اینکه تخصصی ترین مسائل سیاست خارجی ایران چیزی نیست که واقعا در سطح مردم عادی بحث و تصمیم گیری شود. هیچ کشوری این کار را نمی کند.

تسنیم: یعنی در سیاست خارجی امکان ندارد کسی نظر سنجی بگذارد؟

موسویان: نه، حالا صبر کنید، من قبل از آن را می خواهم بگویم. بنابراین من حرفم این است که تخصصی ترین مسائل سیاست خارجی باید توسط متخصص ترین افراد ذیصلاح کشور در مراجع قانونی کشور بحث شود نه در کف خیابان ها، من با این حرف موافقم. ما نباید منافع ملی ایران که در سیاست خارجی است را به دعوای خیابانی تبدیل کنیم. دوم، اینکه اگر یک سیاستی بخواهد به رای گذاشته شود، این تصمیم گیری باید توسط مراجع عالی نظام صورت بگیرد. رهبری، سکان دار سیاست خارجی ایران است.

ممکن است روزی مقام معظم رهبری تصمیم بگیرد یک موضوع خاص به رای گذاشته شود. مسلماً، همه تسلیم. اما تا زمانی که چنین چیزی وجود ندارد به رای گذاشتن رابطه ایران و آمریکا به نظر مبنایی ندارد. قانون اساسی وجود دارد، شورای عالی امنیت ملی وجود دارد. وزیر خارجه، وزیر اطلاعات همه عضو هستند. بررسی می‌کنند که این رابطه را می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم. هر تصمیمی گرفتند می‌فرستند برای مقام رهبری، ایشان خودشان موافقت می‌کنند یا مخالفت.

تسنیم: خارج از وجه قانونی که شما می‌فرمایید، به عنوان صاحب‌نظر و متخصص در حوزه سیاست خارجی، از نظرگاه آکادمیک، به رفراندوم گذاشتن بحث‌هایی مانند رابطه با آمریکا صحیح است؟

موسویان: من مخالفم. من نه تنها با به رفراندوم گذاشتن رابطه با آمریکا مخالفم بلکه حتی درباره مسئله هسته‌ای ایران هم مخالف این گونه اقدامات هستم. من مخالف به رفراندوم گذاشتن مسائل سیاست خارجی هستم مگر چیزی که مراجع مسئول در قانون اساسی تصمیم بگیرند و آن هم شخص رهبری است.

ما نباید منافع ملی ایران که در سیاست خارجی است را به دعوای خیابانی تبدیل کنیم. دوم، اینکه اگر یک سیاستی بخواهد به رای گذاشته شود، این تصمیم‌گیری باید توسط مراجع عالی نظام صورت بگیرد. رهبری، سکان‌دار سیاست خارجی ایران است.... من مخالف به رفراندوم گذاشتن مسائل سیاست خارجی هستم.

تسنیم: خیلی کوتاه بفرمایید آقای روحانی در سیاست خارجی دنبال چیست؟

موسویان: اصولاً چیزی که من درک کرده‌ام از دوره‌ای که با ایشان کار کرده‌ام، ایشان دنبال کاهش کامل تنش با غرب و عادی‌سازی روابط ایران با غرب است. همینطور عادی‌سازی روابط ایران با منطقه. به نظر من ایشان می‌خواهد یک روابط خارجی کاملاً عادی داشته باشد.

تسنیم: منظور از روابط عادی چیست؟

موسویان: یک روابط نرمال و معمولی. بدون جنگ و تنش و تحریک.

تسنیم: به نظر می‌رسد که دولت در این به اصطلاح تنش‌زدایی زیاد موفق نبود. صحبت‌های اخیر جان کری کاملاً با روح توافق ژنو تناقض داشت.

موسویان: نه، ببینید، اینها ملاک نمی‌شود که آقای جان کری چه می‌گوید. آقای روحانی آمد و گفت غرب در مقابل ما تسلیم شد، آنها هم رفتند جواب دادند و گفت نه خیر ایران تسلیم شد. اینها ملاک نمی‌شود. بالاخره وقتی خود ما آمدیم گفتیم این برد-برد بود. من واقعا معتقدم که این توافق ژنو فوق‌العاده تخصصی است و هر بحثی در این مورد

باید در داخل مراجع ذیصلاح قانونی صورت بگیرد.

تسنیم: یعنی شما از محرمانه بودن جزییات حمایت می کنید؟

موسویان: من بحث محرمانه بودن نیست. من بحث تخصصی بودن است.

تسنیم: در چه بعدی؟

موسویان: در همه ابعاد فنی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، این توافقنامه اگر می‌خواهد بحث و بررسی شود باید به شورای امنیت ملی برود. در جمعی که همه دست اندرکاران هستند، در آنجا بحث و بررسی شود. نکات مثبت و منفی اش استخراج شود و به تیم کارشناسی بگوید که مثلا در مذاکرات بعدی آنها را رعایت کنید. این چیزی نیست که شما بیاورید در سطح افکار عمومی، این جزو پیچیده‌ترین قسمت‌های دیپلماسی بین‌المللی است، نه فقط دیپلماسی ایران. من اصلا کل حرفم این است.

تسنیم: از نظرگاه شما نقاط ضعف این توافقنامه چیست؟

موسویان: این توافق نامه نقاط ضعف و قوت برای هر دو طرف دارد.

تسنیم: نقاط ضعف‌اش برای ما چیست، ما کجا ممکن است با چالش مواجه شویم؟

موسویان: چیزی که ما را با چالش مواجه کند در دو بعد است، یک بعد ابعاد بازرسی‌هاست که قطعنامه‌های شورای امنیت و قطعنامه‌های آژانس دارد. تیم مذاکره کننده ما در این باره با چالش جدی مواجه خواهد شد. چون هم شورای حکام آژانس و هم شورای امنیت سازمان ملل ابعاد بازرسی‌های گسترده را خواسته‌اند. ایران هم عضو آژانس است و هم عضو سازمان ملل. دوم عملیاتی کردن فتوای مقام معظم رهبری است. فتوای ایشان این است که هیچ سلاح کشتار جمعی در ایران نخواهد بود و حرام است و معتقدند که در سطح دنیا هم نباید باشد. حالا این را می‌خواهند برون‌د عملیاتی کنند. همان پیشنهادی که آقای جلیلی داده بودند. Operationalizing the religiously these Fatwa. عملیاتی کردن فتوای مقام معظم رهبری برای اینکه جهان اطمینان پیدا کند که ایران هیچ وقت به سمت سلاح نخواهد رفت. ایران باید یک محدودیت‌هایی را بپذیرد، مثل ۵ درصد، این محدودیت‌ها داوطلبانه است. و مغایر آن پی‌تی‌هم هست. چون آن‌پی‌تی به شما اجازه غنی‌سازی صد درصد می‌دهد. نه اینکه اجازه می‌دهد. طبق آن‌پی‌تی غیر قانونی نیست که شما تا صد درصد غنی‌سازی انجام دهید. اما هم دولت آقای روحانی؛ هم دولت آقای احمدی‌نژاد و هم دولت آقای خاتمی آماده بودند که زیر ۵ درصد غنی‌سازی کنند. یعنی برخی چیزهای داوطلبانه است که اصلا برای ایران مهم نیست. وقتی بخواهند درباره ابعاد اعتماد سازی در مورد عدم انحراف به سمت ساخت سلاح صحبت کنند آنجا با چالش جدی مواجه خواهند شد.

ان پی تی به شما اجازه غنی‌سازی صد درصد می‌دهد... فکر نکنند که بلافاصله پس از توافقنامه جامع نهایی ظرف ۲۴ ساعت همه تحریم‌های یک جانبه و بین‌المللی را بر می‌دارند.

تسنیم: متن توافق‌نامه، خصوصا اینکه قابل تمدید است و حتی جاهایی گفته‌اند ایران درباره محل غنی‌سازی هم نظر طرف مقابل را بخواهد، اینها ما را با چالش مواجه نمی‌کنند؟

موسویان: ببینید دو طرف توافق می‌کنند، نه اینکه ایران نظر طرف مقابل را بخواهد. طرف مقابل هم برای رفع تحریم‌ها باید نظر ایران را بخواهد. هر چیزی که در این توافق‌نامه آمده دو طرف باید نظر یکدیگر را رعایت کنند. این نیست که نظر یک طرفه باشد. اگر می‌گوییم ایران باید غنی‌سازی را در داخل خاک خود داشته باشد؛ اگر می‌گوییم کل تحریم‌های یک جانبه، چندجانبه بین‌المللی باید رفع شود این نظر دو طرف است. بنابراین طبیعی است که در یک توافقنامه اولاً هر دو از خواسته‌های حداکثری خودشان کوتاه می‌آیند و کف مطالبات را قبول می‌کنند. دوما دوره‌ای برای اعتمادسازی متقابل می‌گذارند. یعنی شما فکر نکنند که بلافاصله پس از توافقنامه جامع نهایی ظرف ۲۴ ساعت همه تحریم‌های یک جانبه و بین‌المللی را بر می‌دارند. این یک دوره‌ای طول می‌کشد از نظر آنها برای اعتمادسازی، ما هم همین طور، ما هم تعهدات آنها را برای یک دوره‌ای می‌خواهیم در عمل تست کنیم تا مطمئن شویم اینها واقعا نقض تعهد نمی‌کنند. حالا چالشی که شما فرمودید؛ به نظر من دو چالش مذاکره‌کنندگان ایرانی خواهند داشت. یکی ابعاد اعتماد سازی برای عدم انحراف به سمت سلاح؛ و یکی ابعاد بازرسی‌ها.



تسنیم: قابل تمدید بودن توافقنامه مشکلی ایجاد نمی‌کند؟

موسویان: بهتر است که اصلا دنبال تمدید نباشیم. ما باید خیلی مراقب باشیم. حالا من که برای مذاکره‌کننده‌ها نمی‌خواهم تعیین تکلیف کنم. واقعا انسان باید درک کند مذاکره پشت میز مذاکرات بین‌المللی و چقدر سخت است. مذاکره‌کننده باید دستش باز باشد. وقتی مجبور شد تمدید کند، خوب تمدید کند. من که نمی‌دانم چه اتفاقی در مذاکرات رخ خواهد داد. اما اولویت باید برای ۱+۵ و ایران این باشد که تا تابستان آینده تمام کنند. من چند دلیل دارم. یک دلیل این است که جناح جمهوری خواه و تندرو و افراطی آمریکا می‌خواهد این تمام نشود تا در انتخابات کنگره آمریکا که نوامبر برگزار می‌شود از این استفاده کند. یک دلیل دیگر هم این است که جبهه‌ای از اعراب با تمام قدرت دارند تلاش می‌کنند که این توافقنامه به شکست منجر شود و تحریم‌ها برداشته نشود. یک دلیل هم این است که لابی صهیونیسم و اسرائیل با تمام قدرت دنیا را بسیج کرده است که این توافقنامه را به شکست برساند. یک دلیل دیگر هم اینکه منافقین الان مسئله اول‌شان این است که این توافقنامه و مذاکرات ایران و آمریکا را به شکست برسانند. یعنی در ۴ جبهه، بسیج منطقه‌ای و بین‌المللی برای به شکست رساندن توافقنامه صورت گرفته است. اگر انتخابات نوامبر آمریکا هم انجام شود و کنگره به دست جمهوری خواهان بیفتد، باز هم این به ضرر ماست چون جناح

تعامل یعنی جناح او با ما تضعیف خواهد شد.

دو چالش مذاکره کنندگان ایرانی خواهند داشت. یکی ابعاد اعتماد سازی برای عدم انحراف به سمت سلاح؛ و یکی ابعاد بازرسی‌ها... بهتر است که اصلاً دنبال تمدید نباشیم. ما باید خیلی مراقب باشیم.

تسنیم: شما از متن توافق نامه دفاع می‌کنید؟

موسویان: خیر، ببینید من می‌خواهم واقع بین برخورد کنم. واقع بینانه این است که نه ایران به مطالبات حداکثری خود رسیده است و نه آمریکا و اروپا. اگر از آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها می‌پرسیدید می‌گفتند ما دلمان می‌خواهد همیشه این تحریم‌ها باقی بماند. ایران هیچ وقت غنی‌سازی نداشته باشد. اگر از دل مذاکره کننده ایرانی هم بپرسید می‌گفت من دلم می‌خواهد ایران غنی‌سازی صد در صد هم داشته باشد و هیچ محدودیتی هم نداشته باشد. حتی پروتکل را هم اجرا نکند.

تسنیم: شما به عنوان فردی که در میدان عمل بوده‌اید و جنس مذاکرات را درک می‌کنید به نظرتان می‌شد توافق بهتری کرد؟

موسویان: من به نظرم، دو طرف، به حداکثری که می‌توانستند، رسیدند.

تسنیم: یعنی این ته کار و ظرفیت دو طرف بود؟

موسویان: نه ته ظرفیت دو طرف بود. ببینید. اشتباه نکنید، اصل مشکل ۱۰ ساله مذاکرات چی بود؟ غنی‌سازی بود.

تسنیم: که به ما ندادند...

موسویان: دادند. ببینید یک چیزی را شما به خاطر خدا برای مسئولان و افکار عمومی ایران روشن کنید. آمریکا از ابتدای تصویب معاهده ان‌پی‌تی غنی‌سازی در هیچ کشوری را رسماً به رسمیت نشناخته است. نه در مورد آلمان، نه در مورد ژاپن.

یعنی هیچ وقت نیامده است که بگوید *we officially recognize the enrichment in the Germany* اما در کشورهای که به آنها اعتماد دارد غنی‌سازی را در عمل تحمل کرده است. این نکته بسیار مهمی است. آمریکا غنی‌سازی را در ژاپن پذیرفت به دو شرط، حتی ژاپنی که متحد آمریکاست. یک پروتکل الحاقی را ژاپن بپذیرد. دو زیر ۵ درصد غنی‌سازی انجام دهد.

واقع بینانه این است که نه ایران به مطالبات حداکثری خود رسیده است و نه آمریکا و اروپا... سیاست ۵ قدرت

هسته‌ای دنیا بر این است که تا جایی که می‌شود غنی‌سازی در کشورها انجام نگیرد.

تسنیم: الان ژاپن پروتکل را اجرا می‌کند؟

موسویان: بله، و زیر ۵ درصد هم انجام می‌دهد. یعنی سیاست ۵ قدرت هسته‌ای دنیا بر این است که تا جایی که می‌شود غنی‌سازی در کشورها انجام نگیرد. چون شانس ساخت بمب زیاد می‌شود. آنچه که در این توافق‌نامه اتفاق افتاده است و در توافق‌نامه نهایی هم اتفاق خواهد افتاد این است که قدرت‌های بزرگ جهانی غنی‌سازی در خاک ایران را – این حداکثرش هست- مثل ژاپن تحمل کنند. عملاً بپذیرند، در عمل قبول کنند. این هم در مقابل ۲ چیز خواهد بود. حالا ژاپن پروتکل است و زیر ۵ درصد.

عدم اعتماد بین ایران و غرب بیش از عدم اعتماد بین ژاپن و غرب است ممکن است ابعاد اعتماد سازی ایران را بیشتر سازد. همین که تحمل کنند، قبول کنند، غنی‌سازی حتی محدود با بازرسی گسترده در خاک ایران صورت بگیرد و تحریم‌ها برداشته شود، این به نظر من نقطه کاملاً پیروزی برای جمهوری اسلامی ایران است.

تسنیم: ولی به نظر می‌رسد فاصله زیادی با این نقطه داریم. چند روز پیش جی کارنی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از برجیدن تاسیسات هسته ای ایران صحبت کرد.

موسویان: خب بله، مجلس ما هم تصویب می‌کند یا بیانیه می‌دهد که غنی‌سازی ۶۰ درصد انجام شود.

ببینید، الان فرض کنید ایرانی‌ها می‌گویند آب سنگین اراک خط قرمز ماست، غربی‌ها هم می‌گویند خط قرمز ماست. خب دوتا خط قرمز با هم وارد مذاکره می‌شوند. این طبیعت مذاکرات است. ببینید برخی از این مواضع داخلی است برخی استراتژی مذاکراتی است. ولی آنچه که در نهایت اگر اتفاق بیافتد پیروزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و ما در داخل نباید این دستاورد را دست کم بگیریم این است که قدرت‌های جهانی غنی‌سازی در خاک ایران را در عمل بپذیرند، حتی غنی‌سازی در سطح نظارت شدید و ابعادش هم محدود باشد. اما در حدی که نیاز جمهوری اسلامی تامین شود. اگر این را در عمل بپذیرند، این تحریم‌ها را بردارند و در مقابل درب‌ها را برای تکنولوژی صلح آمیز هسته ای باز کنند، مثل نیروگاه، مثل میله سوخت ۲۰ درصدی که البته ما داریم و احتیاج نداریم، مثل ایزوتوپ، مثل مصارف پزشکی، کشاورزی و غیره اینها دستاورد است. شما توقع نداشته باشید کاری که آمریکا و قدرت‌های بزرگ درباره ژاپن نکردند درباره ایران بکنند. باید واقع بین باشیم.

تسنیم: بحث این است که بعید به نظر می‌رسد آنها حق ایران را به رسمیت بشناسند. یعنی از واژه **right** (حق) استفاده نمی‌کنند.

موسویان: ببینید در آن‌پی‌تی کلمه ای به نام enrichment و غنی‌سازی وجود ندارد. من اصلاً کاری به جنگ و

دعواهای داخلی ندارم. یک بحث فنی و تخصصی می‌کنم.

ان‌پی‌تی می‌گوید right for peaceful nuclear technology ؛ (حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای) هیچ چیزی بیشتر از این نیست. آنها هم می‌گویند ما این را رسماً می‌نویسیم و اعلام می‌کنیم و قبول داریم که ما حق هسته‌ای ایران را برای تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای طبق عبارت ان‌پی‌تی قبول داریم. پس اینجا دعوایی نیست. ما می‌گوییم کلمه غنی‌سازی را بیاورید. آنها می‌گویند این کلمه در ان‌پی‌تی نیامده است. ما می‌گوییم این طبق ان‌پی‌تی قانونی است. درست است که نیامده است اما بالاخره کشورهای زیادی دارند. ان‌پی‌تی هم می‌گوید می‌توانید تولید سوخت داشته باشید. این هم بخشی از تولید سوخت است. آنها می‌گویند خیلی خوب ما می‌پذیریم که غیر قانونی نیست.

مثل بقیه کشورهای که در عمل دارند و ما تحمل کرده‌ایم شما هم عملاً داشته باشید ما تحمل می‌کنیم. ولی اینکه ما را مجبور کنید یک کلمه‌ای را بیاوریم که در متن ان‌پی‌تی نیست، هرچند مغایر با ان‌پی‌تی نیست، زیر بار نمی‌رویم و عین متن ان‌پی‌تی را می‌آوریم. Your right for peaceful nuclear technology، عین جمله بندی ان‌پی‌تی را می‌آوریم. من به نظر ما اصلاً نباید وارد این دعوا شویم. اصلاً هم نباید این را تبدیل کنیم به مسئله داخلی. اگر قدرت‌های جهانی بپذیرند که در ایران غنی‌سازی در حد نیاز مصرف داخلی داشته باشد، این پیروزی جمهوری اسلامی است.

همین که تحمل کنند، قبول کنند، غنی‌سازی حتی محدود با بازرسی گسترده در خاک ایران صورت بگیرد و تحریم‌ها برداشته شود، این به نظر من نقطه کاملاً پیروزی برای جمهوری اسلامی ایران است.

تسنیم: چه تضمینی وجود دارد که طرف غربی این روند را ادامه دهد و بعداً زیر حرف‌های خود نزند؟

موسویان: توافقنامه نهایی می‌رود به تصویب شورای حکام آژانس می‌رسد. توافقنامه نهایی به تصویب شورای امنیت سازمان ملل می‌رسد.

تسنیم: یعنی در توافق می‌آید که ما می‌پذیریم ایران غنی‌سازی داشته باشد ولی حق غنی‌سازی ایران را اعلام نمی‌کنند؟

موسویان: اصلاً نمی‌گویند. اینها می‌گویند که طبق جمله بندی ان‌پی‌تی ما حق ایران را برای تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای می‌پذیریم. عین جمله بندی ان‌پی‌تی را می‌آورند. بعد می‌گویند ایران غنی‌سازی را هم می‌خواهد داشته باشد- چون طبق ان‌پی‌تی غیر قانونی نیست - می‌گویند متناسب با مصرف ایران. هرچقدر ایران مصرف دارد غنی‌سازی هم داشته باشد. با هم در مذاکرات توافق می‌کنند که مصرف ایران چه میزان است. الان یکی از چالش‌های تیم مذاکره کننده همین خواهد بود که مصرف واقعی ایران را تعریف کند. ایران نمی‌خواهد وارد کند، نمی‌خواهد بخرد بسیار خوب، می‌خواهد نیاز داخلی‌اش را تامین کند، بسیار خوب نیاز داخلی‌تان چقدر است؟ هرچقدر هست به

همان میزان غنی‌سازی کنید. به نظر من اگر ما به این نقطه برسیم واقعا برای نظام پیروزی است.

تسینم: طرف‌های غربی کدام تحریم‌ها را باید بردارند؟

موسویان: همه تحریم‌ها را باید بردارند. مذاکرات هسته‌ای است، مذاکرات حقوق بشر و تروریسم و پروسه صلح که نیست. تمام تحریم‌های سازمان ملل تحریم‌های هسته‌ای است.

قطعه‌نامه‌های ۱۳۷۳ به بعد تحریم‌های هسته‌ای است. قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل می‌گوید، ایران قطعه‌نامه‌های شورای حکام آژانس را نقض کرده است. رفرنس اصلی قطعه‌نامه‌های شورای امنیت به نقض قطعه‌نامه‌های شورای حکام آژانس است. در قطعه‌نامه‌های کنگره آمریکا دو نوع قطعه‌نامه وجود دارد. یک نوع قطعه‌نامه‌ای که صرفا هسته‌ای است و یک نوع قطعه‌نامه‌ای که حقوق بشر و هسته‌ای را هم قاطی کرده‌اند.

همه تحریم‌ها را باید بردارند... منافع ملی ایران در سه بعد تامین خواهد شد: اقتدار کامل رهبری، انسجام ملی، بهره‌برداری از فرصت‌هایی که در منطقه و جهان به وجود آمده است... رمز موفقیت ما هم در انسجام و اتحاد ملی است به معنای واقع کلمه و تحت سایه رهبری آقا.

ولی بالاخره مذاکرات هسته‌ای است. ما که نمی‌خواهیم که از قبال مسأله هسته‌ای، درباره تمام مشکلات مان با غربی‌ها وارد مذاکره شویم. مگر ما الان می‌خواهیم درباره تروریسم با آنها صحبت کنیم. تحریم‌هایی که در مورد هسته‌ای است شما می‌توانید بردارید. مذاکره کننده‌های ما فعلا درباره هسته‌ای مجوز دارند مذاکره کنند و مجوزی بیش از این ندارند.

حرفم این است. موضوعی که من اعتقاد دارم بینی و بین الله، جمهوری اسلامی در حساس‌ترین شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی قرا گرفته است. تمام سیاسیون ایران، اصلاح‌طلب یا اصولگرا باید صرفا و صرفا به فکر منافع ملی ایران باشند نه به فکر جناحی. منافع ملی ایران در سه بعد تامین خواهد شد: اقتدار کامل رهبری، انسجام ملی، بهره‌برداری از فرصت‌هایی که در منطقه و جهان به وجود آمده است.

برای ایران فرصت‌هایی استثنایی به وجود آمده است. استراتژی آمریکا مبنی بر خروج از خلیج فارس و منطقه خاورمیانه است. آمریکا ظرف ۵ تا ۱۰ سال آینده از نفت خاورمیانه مستقل می‌شود و خودش اولین تولید کننده نفت می‌شود. بنابراین تئوری‌های ۴۰ سال گذشته آمریکا که سلطه بر منطقه به خاطر نفت بود، دارد تمام می‌شود چون دیگر به نفت احتیاجی ندارد. آمریکا ظرف ۱۰ سال آینده باید از منطقه خارج شود. خلا بزرگی در حال به وجود آمدن است. اگر انسجام ملی تحت سایه رهبری وجود داشته باشد منافع ملی ایران به قدری در منطقه و در سطح جهان

گسترده است که اگر درست استراتژی تنظیم شود و درست بهره‌برداری شود ایران قدرت بلامنازع منطقه می‌شود. به خاطر همین است که اسرائیل و اعراب وحشت کرده‌اند. به همین خاطر است که می‌خواهند تحریم‌ها و فشارها باقی بماند و به همین دلیل برخی اعراب و اسرائیل هنوز به دنبال حمله نظامی به ایران هستند. الان واقعا سیاسیون داخلی ما یک هشجاری فوق العاده نیاز دارند. رمز موفقیت ما هم در انسجام و اتحاد ملی است به معنای واقع کلمه و تحت سایه رهبری آقا. معلوم نیست که در آینده چنین فرصتی ایجاد شود.

تسنیم: اخباری بود که آقای صالحی و آقای شمخانی طی مکاتباتی که با برخی مسئولان نظام داشته‌اند، از این متن انتقاد کرده‌اند.

موسویان: من صادقانه عرض می‌کنم در این سفری که آمدم، اصلا سراغ مسئولین نرفتم. عمده وقتم را با مادرم گذراندم. سعی کردم از مسائل داخلی بپرهیزم. من واقعا اطلاع ندارم. نمی‌خواهم هم اطلاع داشته باشم. چون خودم را در ۴ سال اخیر طوری تنظیم کرده‌ام که از منافع ایران دفاع کنم. چه آقای احمدی‌نژاد باشد چه آقای روحانی. نمی‌خواهم درگیر مسائل داخلی شوم. چون من منافی ندارم. من نه پست می‌خواهم و نه دلار می‌خواهم. برای دعوای داخلی منافی ندارم. اعتقادی هم به دعوای داخلی ندارم و این را مضر به حال اسلام و جمهوری اسلامی و نظام می‌دانم. خودم را هم از دعوای داخلی جدا کرده‌ام. حرف‌هایی هم که می‌زنم فقط و فقط برای منافع ملی ایران است. ممکن است این جناح یا آن جناح از برخی حرف‌هایم خوشش نیاید. من شنیدم کیهان هم از من انتقاد کرده است. البته هنوز نخوانده‌ام. ما به آقای شریعتمداری ارادت ۲۰ ساله داریم. با هم رفیق هستیم. هرچقدر هم ایشان به ما انتقاد کرد، بنده سکوت کردم.

انتهای پیام/